



انترناسیونال

۳۲۹

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۱ دی ۱۳۸۸، ۱ ژانویه ۲۰۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی



برای ضربه نهایی علیه جمهوری اسلامی مهیا شوید! فراخوان حزب کمونیست کارگری به مردم ایران

تظاهرات کوبنده و پرشور یکشنبه ششم دیماه ۸۸ ("روز عاشورا") در تهران و شهرهای دیگر حقایق غیر قابل انکاری از قدرت و پیشروی سریع انقلاب در ایران را به نمایش گذاشت. حضور وسیع تظاهر کنندگان علیرغم بسیج گسترده رژیم و اعمال هرگونه جنایت، طرح شعارهای تند و سرنگونی طلبانه علیرغم تلاش خیل وسیعی که کوشیدند اعتراض مردم را در چهارچوب عاشورا و جمهوری اسلامی محدود کنند، انتشار ویدئوهای متعدد از صحنه های شورانگیز تعرض زنان و مردان مصمم به اوباش اسلامی تا به دندان مسلح و خلع سلاح کردن نیروهای جمهوری اسلامی و آتش زدن قرارگاه ها و وسائل نقلیه آنها، همه و همه حاکی از آن بود که مردم برای در هم شکستن ارگانهای سرکوب و به زیر کشیدن حاکمیت جمهوری اسلامی کاملاً مصمم اند.

اکنون دیگر این وقت هایی نیست که میکوشیدند این انقلاب را به "رای

من کجاست" و اصلاحاتی در رژیم اسلامی تقلیل دهند ناگزیرند که از "آغاز انقلاب در ایران" سخن بگویند. حتی اوباشا دریافته که باید فکر عافیت باشد و پیام های تند و تیز در محکوم کردن کشتار جمهوری اسلامی در عاشورا میدهد. هیچ مفسر و ناظری اکنون شانس برای بقاء جمهوری اسلامی نمی بیند. رژیم اسلامی نه تنها در چشم مردم ایران که مردم جهان دیگر یک جسد متحرک است که هرچه زودتر باید مراسم به گور سپاری آنرا بجا آورد.

رژیم همچنین با بالاترین حد تشدد در صفوف اوباش جناح حاکم و جناح مغضوب روبروست. نه امکان "وحدت" و نه زمینه واقعی "سازش" و نه حتی توان "حذف" یکی توسط دیگری در بین جناح های حکومت وجود دارد. رژیم جنایتکار اسلامی اکنون نه چندان توان و نه چشم اندازی برای سرکوب و بقاء دارد و نه دیگر قادر به حفظ حداقل انسجام درونی و

یک جوان در مقابل اوباش اسلامی تا دندان مسلح!
پشت این جوان، دریایی از انسانها علیه جمهوری اسلامی هستند! ص ۳

پایان یک دهه

اولین دهه قرن بیست و یکم دارد با سرعتی باورنکردنی به پایان می رسد. ده سال پیش وقتی دهه ۹۰ به انتهای خود رسید و بشریت با دبدبه و کبکبه به قرن بیست و یک خوشامد گفت بسیاری از مردم امیدوار بودند که قرن و دهه جدید برایشان رفاه و آسایش و شادی بیشتری با خود به ارمغان بیاورد. امیدوار بودند که یک

تازی نئوکسنراتیزم و میلیتاریسم دولتی امریکا و شرکا که در عراق و منطقه شروع شده بود به پایان برسد و قرن بیست و یک که از همان ابتدا معلوم بود پیشرفتهای عظیم تکنولوژیک را با خود خواهد داشت دنیائی نوین و مبری از کشتار و فقر و نابرابری باشد. امروز صبح که دهمین حوادث و اتفاقات مهم این



سهیلا شریفی

دهه را در دهمین مرور می کردم باورم نمی شد که ایده ها و آرزوهای

صفحه ۲

بارتاب هفته

نریمان جبارزاده
یاشار سهندی
کاظم نیکخواه
محمد رضا پویا
محمد شکوهی

* کنگره هفتم حزب و من
* تادیر نشده یک فکری بکنید
* جنایت و وقاحت
* خشونت ورزی مردم یا سياهکاری سیاسی
* انقلابی بر علیه همه مقدسات حکومتی

بزودی منتشر میشود

انترناسیونال ضمیمه ۳۲۹

مصاحبه با حمید تقوایی

در مورد

وضعیت سیاسی حاضر و چشم انداز تحولات

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پایان یک دهه

میلیونها انسان در سراسر دنیا تا به این حد به ناامیدی تبدیل شده است، باورم نمی شد که ده سال می تواند اینهمه درد و رنج و مشقت و کشتار و خونریزی را در خود داشته باشد، که تا این درجه بشریت در این ده سال به عقب رانده شده است و تا به این حد به انسان و انسانیت حمله شده است.

تروریسم اسلامی که با حمله وحشیانه به برجهای دوگانه در نیویورک و کشتار هزاران انسان بیگناه نمایش خونین خود را شروع کرد، بسرعت بساط خونریزی و ترور خود را در کشورهای دیگر دنیا و مخصوصا در منطقه خاورمیانه پهن کرده و گسترش داد. در همان حال میلترایسم دولتی آمریکا که عرصه را در سطح اقتصادی به خود تنگ می دید و در پی یافتن بهانه ای بود که قدر قدرتی جهانی خود را حفظ کند، به بهانه جنگ علیه ترور دامنه تروریسم دولتی خود را وسعت بخشیده و حمله به افغانستان و عراق را سازمان داد. هنوز به سالهای میانی دهه ۲۰۰۰ نرسیده بودیم که دنیا را آتش و خون گرفته بود و صحنه های دردناک اجساد لت و پار شده مردم بی دفاع عراق و افغانستان، چهره های گریان مادران و پدرانی که فرزندانشان را از دست داده بودند و بچه هایی که تا پاسی از شب منتظر بازگشت پدرشان از سرکار بودند که برایشان غذا بیاورد بیخبر از اینکه پدرشان را جنایتکاران تروریست اسلامی برای همیشه از آنها گرفته اند، به داستان زندگی روزمره مردم دنیا تبدیل شد و بر صفحه تلویزیونها راه پیدا کرد. ابوغریبها و گوانتاناماها بعنوان بخشی از حوادث جنگی به نرم زندگی تبدیل شدند و حمله همه جانبه ای از هر دو طرف به معیارهای انسانی و تمام دستاوردهای تکنونی بشریت شروع شده بود. دولتهای غربی فرصت را غنیمت دانستند که به بهانه مبارزه با تروریسم به حقوق مدنی مردم حمله کرده و بسیاری از دستاوردهای مدنی و حقوقی را پس بگیرند. جامعه را نظامی کرده و اختیارات پلیس و سازمانهای امنیتی را زیاد کردند. از رفاهیات مردم کاستند و پول مالیاتها و هزینه های جامعه را صرف خرید و توسعه امکانات جنگی و نهادهای پلیسی و جاسوسی کردند و هر صدای اعتراضی را به بهانه خطر تروریسم سرکوب و ساکت نمودند، رسانه و

موزیک و عشق را وحشیانه به سلاخی بردند.

اما در کنار همه این جنایات و وحشیگریهای دو جبهه تروریستی دنیا باید تاریخ این دهه را با ذکر مبارزات مردم آزادیخواه و انسان دوست سراسر دنیا نوشت. ده سال گذشته در حالی که هر دو جبهه ترور تلاش کردند جامعه جهانی را به قعر سیاهی و جنگ و کشتار برده و نهایت بربریت را به انسان تحمیل کنند، جبهه دیگری، جبهه سومی از مردم و انسانهایی که حاضر نبودند تن به این سرنوشت بدهند و تسلیم شوند، سر بلند کرده و در مقابل حمله به انسان و دستاورهای انسان مقاومت و ایستادگی کرد. در ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ در بیش از ۸۰۰ شهر دنیا میلیونها نفر به خیابانها آمدند تا بر علیه جنگ در عراق اعتراض کنند. این نمایش پرشکوه و میلیونی شاید اولین بارقه های جهانی حرکت جبهه بشریت برعلیه جنایات میلترایستیهای هر دو طرف بود. فقط در شهر رم ایتالیا بیش از ۳ میلیون نفر به خیابان آمدند که باعث شد این تظاهرات در کتاب رکوردهای جهانی بعنوان بزرگترین تظاهرات در تاریخ ثبت شود. گروهها و سازمانهای متعددی برای مبارزه بر علیه جنگ و تروریسم و ارتجاع و عقب ماندگی در سراسر دنیا تشکیل شدند و در دفاع از مدرنیسم و سکولاریسم تلاش کردند. مبارزه برعلیه حجاب، دادگاههای شریعه، قتلهای ناموسی و مدارس مذهبی در بعضی از کشورهای اروپائی و کانادا تلاشی ارزشمند از طرف سکولاریستها و آزادیخواهان دنیا برای جلوگیری از گسترش دامنه نفوذ جریانات مذهبی و مرتجع اعم از اسلامی و غیره بود که تا حدود زیادی موفق بوده است. به جرات می توان گفت که به یمن این مبارزات بی وقفه بوده که جریانات ارتجاعی مذهبی، تئوریهای تبعیض آمیزی مانند نسبیت فرهنگی و نژاد پرستی و قوم پرستی نتوانسته اند کل دنیا را تسخیر کنند و انسانیت را به ایستگاه نهانی بربریت برسانند.

اما اغراق آمیز نخواهد بود اگر ادعا کنیم که سنگر اصلی جبهه مبارزه برای انسانیت در ایران است. ایران کشوری که ستون اصلی اسلام سیاسی به مدت سی سال است در آنجا حکومت می کند، شاهد پرشورترین و شجاعانه ترین مبارزات و تلاشهای به حق میلیونها انسانی است که زندگی انسانی و آزاد می

خواهند، که از سلطه حکومت اسلامی بر جان و زندگیشان به تنگ آمده اند و می خواهند از دست آن رها شده و یک دنیای برابر و آزاد برای خود و جامعه اشان بسازند. دهه اول قرن بیست و یکم در ایران دهه شکل گیری و سر برآوردن جنبش سرنوشت طلبی مردم برعلیه جمهوری اسلامی است. از همان اوایل دهه مبارزات مردم اوج گرفت. هیجده تیر ها و شانزده آذرها، اوج گیری اعتراضات و اعتصابات کارگری، شکل گیری جنبشهای دفاع از حقوق کودک و جنبش علیه اعدام و مبارزه بی وقفه زنان و جوانان برعلیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی مشخصه های برجسته این دهه در ایران هستند. در سرلوحه همه اینها خیزش و جنبش انقلابی چند ماه اخیر مردم ایران است که حتی به گفته خبرنگاران و صاحب نظران دنیا یکی از ۳ واقعه مهم سال ۲۰۰۹ محسوب می شود. امسال (ژوئن ۲۰۰۹) شروع شده است، حکایت از اراده و عزم جزم مردم ایران برای پایان دادن به نظام ننگین و سیاه ارتجاع اسلامی و دنیای نابرابر و غیر انسانی سرمایه داری دارد. مردم ایران در برابر هارترین رژیمهای تاریخ ایستاده و شجاعانه مدرن ترین و انسانی ترین مطالبات و خواسته ها را در برابر این رژیم و دنیا گرفته اند. آنها خواهان پایان دادن به تبعیض و نابرابری، آپارتاید جنسی، فقر بی حقوقی، اعدام، شکنجه و تجاوز هستند. آنچه در این شش ماه گذشته در ایران اتفاق افتاده و همچنان ادامه دارد بازگو کننده آمل و آرزوهای مردم سراسر دنیاست. روزنه امید است که مردم دنیا با علاقه و اشتیاق فراوان آنرا دنبال و از آن حمایت می کنند. یکی از خصلتهای ویژه این انقلاب ارتباط مستقیم و تقریبا بلافاصله آن با سراسر دنیاست. عکسها و ویدیو کلیپهایی که در عرض کمتر از یکساعت از وقوع حادثه بروی سایتهای سراسر دنیا و بر صحنه تلویزیونها ظاهر می شوند هرگونه فاصله زمانی و مکانی را از بین برده و انقلاب ایران و تحولات آنرا به امر همه مردم آزادیخواه و برابری طلب دنیا تبدیل کرده است.

دو حادثه بسیار مهم در انتهای سال ۲۰۰۹ بخوبی خصلت نما و بازگو کننده ویژگیها و مطالبات این انقلاب هستند. اول حرکت سمبلیک مردم سیرجان در تلاش برای نجات اعدامیها و به آتش کشیدن سکوی

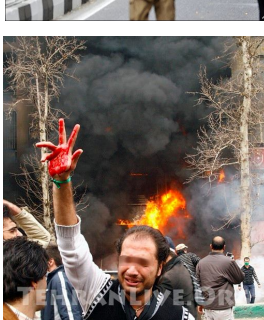
اعدام بود که بخوبی عظمت و گستردگی جنبش انسانی ضد اعدام در ایران را نشان می دهد. اهمیت این حرکت تنها در تلاش برای نجات جان دو نفر اعدامی و یا تبدیل بساط رژیم به ضد خودش نیست، آتش زدن سکوی اعدام یک حرکت تاریخی است که مطمئنا نسلهای آینده در مورد آن کتابها خواهند نوشت و فیلمها خواهند ساخت. حرکت شجاعانه مردم سیرجان بعنوان نمونه سمبلیک مبارزه علیه قتل عمد دولتی و ارزشگذاری برای جان انسان مورد تحسین و ستایش انسانهای آینده خواهد بود. همانطور که ما امروزه با افتخار به قهرمانیها و مبارزات نسلهای پیشین نگاه می کنیم و شجاعت آنها را در مقابله با دیکتاتورها و جنایتکاران می ستائیم، همانطور که از دیدن فیلمهای مقاومت و فداکاری و شهامت نسلهای پیشین به هیجان می آئیم و از آنها درس می گیریم، سیرجان و پاره کردن طناب دار هم به چنین الگویی تبدیل خواهند شد. لازم به یادآوری است که اهمیت مبارزه با اعدام را باید در فضا و زمانی دید که قدرتهای بزرگ دنیا با به نمایش درآوردن اعدام صدام حسین در برابر چشم جهانیان این نوع آدم کشی شنیع و غیر انسانی را مشروعیت بخشیدند و به آن دامن زدند.

و آخرین اتفاق مهم امسال هم اتفاقات شنبه و یکشنبه اخیر روزهای تاسوعا عاشورا بود که دیگر شکی برای کسی باقی نگذاشت که این انقلاب می رود که بزودی بساط این جانیان آدمکش را برچیده و دنیائی نوین را برپا کند. عظمت اعتراضات و حرکت روز عاشورا، سنگریندی در مقابل نیروهای تا دندان مسلح، به زانو درآوردن و به تنگنا انداختن آنها، همبستگی و اتحاد پرشور مردم با هم، حضور وسیع و فعال زنان و دخترانی که گاها روسریهایشان را هم از سر برداشته بودند، استفاده از تکنولوژی و ثبت بی وقفه لحظات و از همه مهمتر شجاعت و شهامتی که زن و مرد و پیر و جوان از خود نشان می دهند، جای این انقلاب و این حرکت را در دل میلیونها انسان در سراسر دنیا باز کرده و روزنه های امید را در برابر آنها گشوده است. انقلاب مردم ایران در رسانه های دنیا بعنوان یکی از سه واقعه مهم سال ۲۰۰۹ نام برده شده است، من فکر می کنم این انقلاب می رود که به مهمترین واقعه قرن بیست و یکم تبدیل شود.*

تصاویری از تعرض انقلابی مردم علیه نظام اسلامی!



ادهای ضد انقلاب در مقابل انقلاب مردم



برای ضربه نهایی

انضباط اداری است. این رژیم در زیر فشار مهیب انقلاب مردم خرد میشود.

بی شک هنوز مقاومت های آخر این رژیم جنایت و جهل و اسلام باقی است. اما مردم مصممی که در تظاهرات یکشنبه به خیابانها آمدند اکنون با مشاهده اوضاع درهم ریخته و بی افقی رژیم اسلامی بی شک مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش میدهند. حزب کمونیست کارگری به همه زنان و مردانی که روز پرشکوه ششم دیماه را آفریدند درود میفرستد و با همه داغداران جانباختگان اخیر و سی سال جنایت رژیم اسلامی صمیمانه اعلام همدردی میکند. حزب مردم ایران را فرامیخواند تا با تمام قوا برای درهم شکستن تمامی ارگانهای سرکوب و اقتدار رژیم اسلامی و سرنگونی این بختک سی ساله متشکل و مهیا شوند. حزب مردم را فرا میخواند تا با تشکیل کمیته های انقلابی و ارگانهای مقابله با نیروهای سرکوبگر در هر محله و منطقه و کوی و برزن، برای بعقب راندن و در هم کوبیدن اوپاش بسیجی و پاسدار و دیگر نیروهای انتظامی، و وارد کردن ضربه نهایی به رژیم اسلامی آماده شوند. حزب همه کارگران و معلمان و دانشجویان و دانش آموزان، همه کارمندان و پرستاران را فرا میخواند تا با شکل دادن به کمیته های اعتصاب آماده برپایی اعتصابات

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی،
برای حکومت انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ دیماه ۱۳۸۸، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به
انسان است.

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون
امید سوسیالیسم
و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه
منجلائی بدل میشود!

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

ویراستار:



نریمان جبارزاده

کنگره هفتم حزب و من

نوشتن در مورد کنگره ۷ حزب شاید کمی دیر شده باشد ولی برای من متأسفانه امکان زودتر فرستادن این نامه وجود نداشت. این ۳ روز کنگره یکی از شیرین ترین و به یادماندنی ترین روزهای زندگی من بود چون خیلی چیزها را در این ۳ روز تجربه کردم. در این کنگره تعداد زیادی از کمونیستها و انسانهای آزادیخواه را از پیر و جوان دیدم که از سراسر دنیا و همه با یک هدف و آرزو دور هم جمع شده و آن مبارزه برای یک زندگی بهتر و انسانی تر و ساختن جامعه سوسیالیستی برای همه بود. وقتی در شروع کنگره سرود انترناسیونال را می خوانند من سراپا شغف بودم و اشک شوق در چشمانم جمع شده بود. وقتی یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم برقرار شد من به یاد پسر و تمام کسانی که در راه مبارزه برای آزادی و برابری جان باخته بودند افتادم و همه آنها را در کنار خود حس کردم. در این کنگره کم نبودند کسانی که مانند من شکنجه و زندان را تجربه کرده بودند و کم نبودند کسانی مانند من که عزیزانشان به دست دژخیمان رژیم اسلامی اعدام شده بودند و حال دور هم جمع شده بودند که ادامه دهندگان راه عزیزانشان یعنی برقراری سوسیالیسم و آزادی باشند. آری این حزبی است که میروید انقلاب مردمی را که به خیابانها ریخته اند و خواهان یک زندگی انسانی هستند را به پیروزی برسانند و این را با تصویب قطعنامه ها و قرارهایشان نشان داد. و من می خواهم از همینجا از همه دعوت کنم که به این حزب بپیوندند همه زنانی که بر علیه تبعیض و نابرابری مبارزه می کنند همه کارگرانی که برای حقوق عقب افتاده شان و برای رفاه و آسایش مبارزه

میکند همه جوانانی که برای رسیدن به زندگی آزاد و شاد و آینده بهتر مبارزه میکنند و همه بی خدایانی که می خواهند آزادی بی مذهبی داشته باشند جایشان در این حزب است. این حزب سالیان سال است که که علیه اعدام علیه مذهب و برای حقوق کودک و علیه تبعیضات جنسی و حجاب اجباری مبارزه میکند. و جای همه کسانی که مخالف اعدام مخالف مذهب هستند و خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند برای رسیدن به اهدافشان در حزب کمونیست کارگری است.

یک اتفاق جالبی هم در این کنگره برای من افتاد که خیلی باعث خوشحالم شد و دوست دارم آن را هم بگویم. و آن این بود که من یکی از دوستان قدیمی ام را که سالها او را گم کرده بودم در کنگره ملاقات کردم. در سال ۶۰ ما چند رفیقی بودیم که به کومله کمک دارویی میکردیم و بعد از اینکه سرکوبها شدید شد و تعدادی لو رفتند ما هم به دلیل شرایط آن زمان دیگر از هم خبر نداشتیم تا اینکه در کنگره یکی از رفقا من را به اسم مستعار آن دوره که با هم بودیم صدا کرد. و به این ترتیب بعد از سالها ما دو باره همدیگر را دیدیم و این مرا خیلی خوشحال کرد. این کنگره ۳ نسل در کنار هم بود ۳ نسلی که هر کدام سابقه مبارزاتی جداگانه ولی با اهداف مشترک داشتند. در روز سوم کنگره یکی از رفقای جوان پیش من آمد و گفت چقدر خوشحالم که همه در یک حزب و با یک هدف مبارزه میکنیم شما با این سن و سال و من با این سن کم اما با یک هدف و آرزو. همدیگر را بغل کردیم و بوسیدیم و افتخار کردیم که با اینکه تفاوت سنی زیادی داریم ولی در کنار هم در یک حزب و برای یک هدف مشترک مبارزه میکنیم. این کنگره کنگره انقلاب بود که تصمیم گرفت انقلاب مردم را رهبری و سازماندهی کند و آن را به پیروزی برساند. من افتخار میکنم که عضو این حزب هستم و توانستم در این کنگره شرکت کنم و از نزدیک با رفقای رهبری دیدار و گفتگو کنم و با خیلی از رفقای کادر

و عضو حزب از نزدیک آشنا شوم. جای خیلی از دوستان در ایران که آرزوی شرکت در این کنگره را داشتند خالی بود. امیدوارم که کنگره بعدی در ایران باشد.

به امید آن روز

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد انقلاب انسانی

زنده باد حزب کمونیست کارگری

تا دیر نشده یک فکری بکنید!

یاشار سهندی

"حتی نهنگ هم نتوانست آخوند را بخورد!" این سخنان گهر بار حجت اسلام قرائتی است. این در جواب مردم است که به گفته حکومت اسلام در روز ۶ دی "حرمت عاشورا را شکستند". این حجت الاسلام، معروف عام و خاص است. از سال ۵۸ تاکنون یکریز هر پنج شنبه یکساعت وقت تلویزیون را تلف کرده تا خزعلاتی به نام "درسهای از قرآن" به مردم پیاموزد. نتیجه سی سال زحمت ایشان در یک نیمه روز بر باد رفت! اشاره ایشان اما، به نهنگی که نتوانست آدم را بخورد مربوط به قصه یکی از همان صد بیست چهار هزار پیامبر است که یونس نام داشته و سالیان بسیار در شکم نهنگ زیست میکرده (خواننده محترم توجه داشته باشد که منظور داستان پینو کیو و گرفتار شدن پدر ژیتو در شکم نهنگ و بالاخره آدم شدن آن عروسک چوبی نیست!) اما داستان حضرت یونس یک نکته مهم دارد و آن این است که پیامبران نیز آخوندی بیش نبوده اند. چیزی بوده اند عین همین قرائتی یا چیزی شبیه خامنه ای یا شاید هم منتظری. هر چه بودند ظاهرا شبیه پاپ نبودند! همانقدر که ما آخوندها را میشناسیم پاک و معصوم بودند آنها هم نیز. اما حجت الاسلام میخواهد مردم را بترساند که شما عددی نیستید. اما به واقع میخواهد ترس و وحشت خود و همپالگی هایش را بپوشاند و سعی میکند که چهره ترسناک بگیرد. ترس و وحشت اینها را میتوان در همان روز ۶ دی مشاهده کرد که چطور نیروهای تا دندان مسلح ایشان در میان توده متحد مردم هیچی نبودند. ترس و جبنی ایشان را میتوان در راهپیمایی مجلسیان نگاه کرد که در صحن مجلس بر علیه مردم تظاهرات کردند. اندام لرزان ایشان را میتوان در عکس العمل

سربازان گمنام امام زمان مشاهده کرد که به هر کس که دسترسی دارند حتی اگر بیمار سرطانی (رشید اسماعیلی) باشد، دستگیر کردند تا توده مردم را حساب کار دستشان آید. خوف ایشان را میتوان در نمایش بی مایه روز چهارشنبه دید که به ضرب بخشنامه که شرکتها و دوبای دولتی را موظف میکرد سرویسا به سمت میدان انقلاب تهران بروند جمعیتی را جمع کرد که با هزار دوز و کلک تلویزیونی خواستند نشان دهند انبوه جمعیت به مراسم ضد انقلابی ایشان آمدند. اما حربه ایشان کارساز نبود که یکی از آخوندهای درجه ۳ حکومتی شان سخنران مراسم بود که برای پوشاندن ترسش مدام تهدید کرد. مجری این برنامه کثیف نیز کف به لب آورده بود که "باید اعدام گردد" اما هم او و هم کل حکومت میدانند که تمام شد!

ترس از تحول پیش رو را نیز میتوان در "اپوزیسیون" راست این رژیم منحوس هم دید که از روز ۶ دی به این طرف یکریز، دم گرفتند که "خشونت کار بدی است!" بارها اشاره کردیم ایشان به اساس خشونت حاکم اصلا کار ندارند، این بماند که اساسا مدافع آن هستند که توده مردم باید کار کنند و هیچی نخواهند مگر در یک صد سال بعد. اما در این مواقع یادشان می آید که "خشونت بد است هر چند اگر طرف شروع کرده باشد!" ایشان دچار "دلهره" میشوند و آرزو میکنند کاش احمدی نژاد با موسوی و کروبی و خاتمی و ... نرد عشق میبخت و دیکتاتور کوچک درونش را اجازه نمیداد بروز کند. این فریاد عدم خشونت، یادآوری و پیش کشیدن پای گاندی و ماندلا به میان دعوا فقط ترس و وحشت این اپوزیسیون را نشان میدهد. آنها اساسا مخالف حضور مردم در خیابان هستند چون معتقدند خودشان "مردسیاست" هستند و سیاست کار تخصصی ایشان است نه توده مردم آنها در کف خیابان.

ما به آن نهنگ حق میدهیم که آن آخوند را پس زده از بس که گوشت تلخ هستند اما به آخوند جماعت اطمینان میدهیم که روزگار فریبکاری شان بسر رسیده است و بدانند که هیچ جای در دنیا ایشان را نخواهد پذیرفت پس تا دیر نشده یک فکری به حال عمامه تان بکنید! و نیز با آن اپوزیسیون طرفدار رژیم هم توصیه میکنیم یک کمی در احوالات

خود دقت کنند، گذشت آن روزگاری که میتوانستید با حوزه علمیه و لوح کوروش کبیر مردم را بفریبید، گذشت.*

جنایت و وقاحت



کاظم نیکخواه

وحشت و سرگیجه ای که این روزها حکومت در برابر مردم دچار شده است برآستی تماشایی است. اول تهدید میکنند که می زنیم و رحم نمیکنیم و سر به نیست میکنیم، بعد مردم وسیع تر از قبل به خیابان می آیند و علیه سرتاپایش شعار میدهند، و جانباختگان هم همانگونه که رهبرشان دستور داده هرچه زورشان میرسد جنایت میکنند، و سر آخر دست اندرکاران حکومت میمانند که چگونه در برابر مردم جنایاتشان را توجیه کنند. به این اطلاعیه "نیروی انتظامی تهران" کمی دقت کنید تا متوجه شوید که چقدر به وقاحت و مضحکه افتاده اند که با جنایاتشان چه کنند: "فرماندهی نیروی انتظامی تهران در اطلاعیه ای، شمار کشته شدگان روز عاشورا در تهران را هفت نفر اعلام کرده است. در این اطلاعیه در توضیح چگونگی کشته شدن این عده آمده است: علی موسوی حبیبی (خواهر زاده میر حسین موسوی)، بدون اینکه در صحنه اغتشاشات حضور داشته باشد، در خیابان شادمان تهران، در حدود ساعت ۱۲ الی یک بعد از ظهر روز ششم دیماه در حین حرکت، به دست سرنشینان یک دستگاه خودرو با سلاح گرم ترور شد که به علت تأخیر در انتقال به بیمارستان دچار خون ریزی شدید شد و فوت کرد. این اطلاعیه می گوید: تحقیقات برای شناسایی عنصر یا عناصر تروریست ادامه دارد. این اطلاعیه همچنین می گوید: دو نفر در تقاطع خیابان های انقلاب و حافظ در جریان حمله و تهاجم با اشیاء سخت به مأموران نیروی انتظامی، زخمی شدند و پس از انتقال به بیمارستان درگذشتند. یک

بازتاب هفته

خشونت ورزی مردم یا سياهكاري سياسي



محمد رضا پوپا

تظاهرات ششم دیماه تهران و شهرستانها از جنبه های متعددی، منحصر بفرد بود. یکی از نکات مهم این واقعه، تقابل مردم با نیروهای سرکوب رژیم بود. سرعت و وسعت عکس العمل مردم در پس راندن اوباشان رژیم در این روز، سازماندهندگان نیروهای نظامی جمهوری اسلامی را هم مبهور نمود. فیلم و خبرهای مربوط به فرار مزدوران رژیم از مقابل صف مردم، بسرعت به سراسر جهان مخابره شد و به يك وجه مشخصه اعتراض مردم در ششم دی تبدیل گردید. روز بعد از حرکت قیامگونه مردم تهران، عده ای در خارج و داخل کشور بناگاهان یادشان افتاد که "خشونت ورزی" را محکوم کنند. ظاهراً کار مثبتی است که در چنین شرایطی "خشونت" محکوم گردد. اما اشتباه نکنید، این جماعت دفاع مردم از جان خود در برابر چاقوگشان اسلامی را "خشونت ورزی" نامیدند و همین را محکوم کردند. نعل وارونه است، اما روایت به همین زمختی است. تقی رحمانی از جنبش سبز شده ملی اسلامی در مصاحبه با دیوچه وله آلمان در همین مورد نکاتی را ذکر کرده است، که میتوان آنرا پلاتنفرم تلاش موسوی چی ها برای بی خاصیت کردن اعتراضات خیابانی مردم، نامید. ناگفته نماند که آقای عباس میلانی "متخصص" ریشه یابی علامت مثبت در امیر عباس هویدا هم در مصاحبه با یکی از رادیوهای سلطنت خواه، در مزمت "خشونت ورزی" مردم يك دل سیر سخنرانی نمودند. تقی رحمانی در توجیه اولیه خود در رد تعرض مردم به نیروهای سرکوب رژیم میگوید: "کشته شدن چند نفر در روز عاشورا به هیجان و خشم مردم دامن زد. اصولاً وقتی پای خون به میان میاید، نباید منتظر رفتار عقلانی

نفر به علت سقوط از پل و دو نفر بر اثر برخورد خودرویی با آنها در تجمع اغتشاشگران کشته شدند. يك نفر هم در جریان اغتشاشات با ضربات کارد کشته شد. جسد فردی هم که دارای سوابق کیفری در دادسرای مبارزه با مواد مخدر بوده در نزدیکی محل حوادث آن روز کشف شد که بر اثر مرگ طبیعی فوت کرده بود."

واقعاً قابل توجه نیست؟ دیکتاتوری که مجبور است هرروز در برابر جامعه مظلوم نمایی کند، دارد رسیدن لحظه مرگ خویش را اعتراف میکند. رئیس نیروی سرکوب مامور شده است تا هرجوری که عقلش قد میدهد جنایات را توجیه کند. و بدون استفاده از وقاحت بی حد نمیشود این کار را کرد. با تفسیر این موجود احمق بشیرم و آدم کش گویا فقط هفت نفر در روز ۶ دی کشته شده اند. یکی را که خواهر زاده موسوی باشد تروریست های ناشناس ترور کرده اند که نیروی انتظامی دارد دنبالشان میگردد تا پیدایشان کند و به مجازات برساند! دو نفر هم هنگام حمله مردم با اشیای سخت به نیروهای حکومت کشته شده اند! (بیچاره نیروی انتظامی) يك نفر هم از پل سقوط کرده. (که حتماً از سر بی احتیاطی بوده است). دو نفر هم بر اثر برخورد "خودرویی" (معلوم نیست خودرو متعلق به چه کسی بوده است) به آنها کشته شده اند، نفر آخر هم اصلاً با "مرگ طبیعی" فوت کرده. (آنها وسط تظاهرات و درگیری!)

واقعاً تك آنها را باید به دو جرم محاکمه کرد یکی جنایت و دیگری وقاحت. تاکنون آمار حداقل ۴۰ کشته در روز ۶ دی منتشر شده است. فیلمهای متعددی از خشونت و وحشی گری نیروهای مزدور حکومت روی سایتها منتشر شده است که يك مورد آن مربوط به کسی است که سه بار خودرو نیروی انتظامی از روی بدن او رد شده است. مقاومت مردم هم براستی جانانه است و قابل ستایش. اما اینها تا لحظه مرگشان از دروغ بافی دست برنمیدارند. اما در این دروغ بافی ها تنها میشود وحشتناک از مردم را به وضوح دید. و مردم فقط همین پیام را از این توجیهات مسخره و نفرت انگیز میگیرند.*

اسلامی در مقابله با شیوه های انقلابی بکار گرفته توسط مردم است. این پلاتنفرم صف موسوی، کروی و خاتمی است که تلاش میکنند نیروی بیرون جبهه مردم را در ایستگاه های "هایزری" متوقف نمایند. این جنگ دو جنبش بر سر چگونگی شیوه سرنگونی رژیم اسلامی است. نه جنبش ملی اسلامی و نه راست پرو غرب خواهان تقابل قطبی شده بین مردم و جمهوری اسلامی نیستند. سران هر دو جنبش احساس خطر کرده اند. میدانند که ادامه این شرایط می تواند به يك قیام سراسری منجر شود. قیامی که در پله اول طومار ماشین سرکوب رژیم را در هم خواهد پیچید. هر دوی آنها تجربه تلخ قیام و مردم مسلح شده را سر گذارنده اند. بخوبی میدانند که با وجود جنبش کمونیسم کارگری و حزبی و با مردمیکه سپاه پاسداران را به زانو در آورده است و ماشین جهنی اسلامی را بر زیر کشیده است، نمی توانند براحتی "ویتامین مدنیت" بفروشند. این سپاه کاری محض است که عده ای با داریه و تنبک رنگ "خشونت ورزی" مردم را دم گرفته اند. باید این رسوایی بزرگ را بگردن سران هر دو جنبش ملی اسلامی و راست پرو غرب آویزان کرد که در زمانیکه سینه مردم در خیابانها آماج گلوله لشکریان اوباش اسلامی قرار گرفته بود، پاره کردن عکس خامنه ای توسط مردم خشمگین را خشونت بنامند و مردم را از آن بر حذر بدارند. این بساط حقه بازی سیاسی را با زور و ضرب همین مردم جمع خواهیم کرد.*

انقلابی بر علیه همه مقدسات حکومتی



محمد شکوهی

در هفته ای که گذشت سران و مقامات ریز و درشت رژیم از شورای نگهبان گرفته تا مجلس خبرگان، فرماندهان ارگانه های سرکوبگر رژیم

و... با صدور اطلاعیه هایی در رابطه با اعتراضات و مبارزات شورانگیز مردم بر علیه حکومت جانیان، اعتراف به واقعیتی بزرگ کردند و آن اینکه اعتراضات جاری مردم "مقدسات"، "شعونات" و اصل ولایت فقیه و پایه های نظام را زیر ضرب گرفته است. این اعتراف مقامات و سران رژیم اعترافی به وجود انقلابی بزرگ بر علیه مذهب و اسلام سیاسی، اعترافی به رویارویی جنبش انقلابی و رهایی بخش و بشدت ضد مذهبی مردم ایران است که از قضا بدست "مقدسات" حکومتی و جهل و خرافه و به يك معنا کل رژیم اسلامی با هر جناح و دار و دسته اش را نشانه گرفته است. اعترافی به شکست اسلامیزه کردن جامعه ایران بعد از ۳۰ سال حاکمیت جانوران اسلامی است. اعترافی است به پوچ بودن و شکست کامل و تمام عیار اسلامی سیاسی و نماینده رسمی آن حکومت جمهوری اسلامی ایران است. اما این اعترافات بیانگر يك تحول بسیار مهم در صحنه سیاست و روندهای جاری و آتی در انقلاب فعلی ایران است. انقلاب مردم ایران در اساس بر علیه همین مقدسات حکومتی شروع شده و در يك کلام انقلابی بشدت ضد مذهبی است و يك پایه اصلی اش سکولاریسم و عدم دخالت دین و مذهب در اداره جامعه در هر شکل و شمایلش می باشد. انقلابی عمیقاً برابری طلب، ضد جهل و خرافه مذهبی و دیکتاتوری مذهبی. پتانسیل این انقلاب را حضرات در اعتراضات چند میلیونی روزهای "عاشورا و تاسوعای" حکومتی دیدند. دیدند و لمس کردند که این انقلاب چه نیرویی دارد. در برابر چشمان حیرت زده حکومت، در برابر هزاران نیروی سرکوبگر که در این روز رژیم برای سرکوب مردم به خیابانها آورده بود، مردم معترض هرچی مقدسات مذهبی و بویژه مقدسات حکومتی شده مذهبی بود در خیابانهای تهران به زیر کشیدند و بساط مراسم های حکومتی را در هم ریختند و با صدای بلند شعار دادند مرگ بر اصل ولایت فقیه. معنای عملی این شعار و دهها شعار دیگر که این روزها بر سر زبان مردم است در يك کلام نه بزرگ مردم به حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی می باشد.

در این روزها هر چیزی که رنگ

بازتاب هفته

باشد. در تهرانی که بیش از ۱۳ میلیون جمعیت دارد. يك ميليون چیزی نیست. تازه خود حکومت و بارها اعلام کرده که بیش از يك ميليون و ۴۰۰ هزار بسیجی و پاسدار و سرباز گمنام امام زمان در تهران و حومه دارد! با خیل کارکنان ادارات و و پرسنل ارگانهای غیر نظامی و نیروهای وارداتی از شهرستانها به تهران!

با يك حساب ساده معلوم می شود که تظاهرات و نمایشات حکومتی روز چهارشنبه هفته ای که گذشت تظاهرات نیروهای بسیج و سپاه و پرسنل دواير حکومتی بود. در نتیجه هیچ شکی نباید داشت که راهپیمایی و تظاهرات روز چهارشنبه هفته ای که گذشت به خیابان آمدن حکومت با تمام نیروهای هوادارش در تهران بود. و شکست کامل حکومت را جلوی چشم همه گذاشت. حکومت بیش از يك هفته تلاش کرد تا بلکه بتواند در برابر اعتراضات و تظاهرات چند میلیونی مردم در هفته گذشته قدرت نمایی کرده و وانمود سازد که هنوز از پایگاه مردمی برخوردار است. در يك کلام فضا و شرایطی که این روزها این وقایع در ایران اتفاق می افتد از بسیاری جهات شباهتهای زیادی با سالهای ۱۳۵۶ و ۵۷ دارد. سالی که رژیم سلطنتی در برابر انقلاب مردم هر روز شکننده تر می شد و برای رژیم بسیار مهم بود که تهران هم که شده نمایشات حکومتی در دفاع از خودش سازمان بدهد. رژیم سابق با تمام تقلاها و تلاش هایی که کرد فقط توانست ۳ تظاهرات با جمعیت وارداتی از شهرستانها برگزار نماید. بعد کارش تمام شد. نمایشات حکومتی که این روزها در گوشه و کنار برخی شهرها از طرف رژیم به راه انداخته می شود برای مردم یادآور نمایشات حکومتی اواخر عمر رژیم سلطنتی می باشد. روزهایی که حکومت در برابر مردم شکننده تر شده و تعرض مردم گسترده تر. این روزها دارد تکرار می شود. این را خود سران و مقامات حکومت هم ضمنی تأیید می کنند. خامنه ای هم مثل شاه صدای انقلاب مردم را شنیده است.*

و بو و نشانه حکومتی دارد مورد هجوم مردم می باشد. برای این مردم مقدساتی که حکومت می گوید مقدس نبوده و نیستند. اینها مقدسات و شاعر و سمبل های يك حکومت مذهبی تروریست اسلامی است که در کلیت جمهوری اسلامی به نمایش در آمده و به حق مردم این مقدسات را زیر پایشان له کرده و خواهند کرد. در يك چنین تهاجمی که انقلاب مردم بر علیه کل بنیادهای حکومت اسلامی شروع کرده این قابل انتظار بود که حکومت بخواهد، البته اگر بتواند در برابر این انقلاب دست به مثلاً قدرت نمایی حکومتی بزند. قدرت نمایی به تمام معنای حکومتی. کلی خزعات و چرنیبات در دفاع از "مقدساتشان" گفتند و تهدید کردند که "عاشورائیان" روز چهارشنبه ۸ دی در خیابانهای تهران بر علیه "توهین به مقدسات" عریه کشی کرده و قدرت نمایی خواهند کردند. رسانه های حکومتی شبانه روز مشغول شدند تا بلکه هر طوریکه شده جمعیتی از هواداران حکومتی را به تظاهرات حکومتی بکشاند. اما چه نمایش حکومتی که در برابر سیل عظیم انقلاب خروشان مردم قطره ای بیشتر نبود. خودشان اعلام کردند که مدارس و دانشگاهها و مدارس تعطیل می باشد. مترو رایگان است. به هر حقه و تهدید و حيله ای دست زدند تا نمایشات حکومتی در دفاع از حکومت و بیعت با خامنه ای راه بیندازند. گزارشتی که خود مدیای حکومتی مخابره کردند خود شاهی بر بی پایگی مردمی حکومت بود. خبرگزاریهای حکومتی ایرنا و فارس و گرداب که همه وابسته به سپاه پاسداران هستند اعلام کردند که بیش از يك ميليون نفر به خیابان آمدند. عجب يك ميليون نفر! مدام عکسهای فتو شاپی به دنیا مخابره کردند تا جهانیان را قانع بکنند که حکومت هنوز "پایگاه مردمی" دارد و "مردم" برای دفاع از جمهوری اسلامی به خیابانها ریخته اند. يك ميليون ادعایی حکومت در برابر اعتراضات چند میلیونی مردم بر علیه حکومت در روزهای ۶ و ۷ دی ماه. اما بفرض که این يك میلیونی که حضرات ادعا می کنند درست

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه پیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

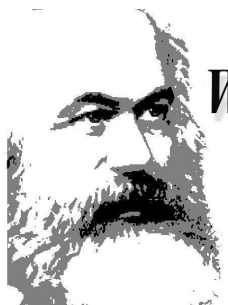
اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان

در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با

شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

سوسیالیسم بپا خیز! برای رفع تبعیض



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

با تمام قوا در مقابل زمینه سازی های جمهوری اسلامی برای اعدام مخالفین بایستیم

دفاع از جان و زندگی مردم مبارز باشد. باید با تمام قوا علیه جو سازیها و فضا سازیها برای اعدامها ایستاد. جمهوری اسلامی باید فشار جدی مردم دنیا را بر گردن نحیفش حس کند. باید بدان

جمهوری اسلامی ۳۰ سال است که با حربه زندان و شکنجه و اعدام به بقای خود ادامه داده است. اما این حربه امروز کاربرد خود را برای به تمکین کشاندن و خاموش کردن خشم و اراده مردم

مقامات نظامی امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی به دنبال اعتراضات گسترده روزهای اخیر تلاش میکند به آخرین حربه های سرکوب سازمان یافته و اعدام مخالفین و زندانیان سیاسی دست



این، تصویر دو انسان در لحظاتی پیش از آن است که مردم آزادیخواه سیرجان به قاتلان اسلامی حمله کردند و این دو انسان را نجات دادند و سکوی اعدام را به آتش کشیدند. با کمال تأسف، این دو انسان مجدداً توسط اوباش اسلامی اسیر شدند و در زندانهای حکومت اسلامی اعدام شدند. اما تعرض مردم برای نجات اعدامیها، به عنوان یک نقطه درخشان و شورانگیز از انقلاب مردم علیه حکومت جنایتکار اسلامی، در تاریخ ثبت شد!

که با هر اعدامی، منفورتر و ایزوله تر و طردشده تر در جامعه بین المللی قرار میگیرد. کمیته بین المللی علیه اعدام، مردم را به اعتراض گسترده علیه سرکوبها فراخوانده و از مردم شخصیتهای شناخته شده سازمان های مدافع حقوق انسانی و از مقامات سیاسی در سراسر دنیا میخواهد که قاطعانه در مقابل این عریده کشی های آخر جمهوری اسلامی بایستند

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳۰ دسامبر ۲۰۰۹

برای سرنگونی این حکومت جانینان از دست داده است. انقلاب و خیزش عظیم مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی چنان و عمیق و گسترش یافته که هیچ جنایتی نمیتواند این جامعه را به حالت رکود و خاموشی بکشانند. مردم سراسر دنیا به وضوح عزم و اراده و مبارزه انقلابی مردم برای به زیر کشاندن این حکومت آدم کشان را دیده است و با موج وسیع همبستگی های بین المللی حمایت خود را از مبارزات مردم ابراز داشته است. در شرایط حساس کنونی این جنبش عظیم همبستگی بین المللی باید مهمترین ابزار

بزند. مقامات جمهوری اسلامی به منظور ایجاد رعب و وحشت و بازداشتن مردم از گسترش اعتراضات، دست به تبلیغات وسیعی در رسانه های گروهی داخلی علیه مخالفین زده و به دنبال فضا سازی و ایجاد زمینه های سیاسی برای اعدام زندانیان سیاسی است. صبح امروز جمهوری اسلامی اردشیر کشاورز یکی از مخالفین جمهوری اسلامی که مدت ۶ سال در زندان بود را اعدام کرد. این اعدام با واکنش اعتراضی گسترده زندانیان سیاسی مواجه شده و زندان گهردشت تهران به صحنه اعتراض وسیع زندانیان بدل شد.

تظاهرات در مقابل سفارت رژیم اسلامی در اتاوا

شعارهایی بود که بزبانهای فارسی و انگلیسی از سوی معترضین سر داده شد.

در این تجمع اعتراضی ابتدا "ایرج رضایی" بنماینده گی از حزب ضمن خوشامدگویی به حاضران،

در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران، شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا) و چند نهاد دیگر بدنبال شدت یافتن مبارزات انقلابی مردم در روزهای پنج و شش دی ماه (تاسوعا



سخنانی را در ضرورت حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران ابراز داشته و پس از آن تریبون آزاد این مراسم را در اختیار نمایندگان جریانات سیاسی و معترضین قرار داد تا هر کدام بنوبه خود بر ضرورت ادامه مبارزه و حمایت از مبارزات مردم ایران تأکید کنند. "هادی وقفی"، "حسن گلزاری" و "سامیه عسگری" از کادرهای حزب نیز از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.

از نکات قابل توجه این آکسیون اعتراضی، حضور تعدادی از جوانان دانشجو در قالب آن چیزی بود که "جنبش سبز" نامیده می شود. این گروه از دانشجویان همراه با سایر آزادیخواهان و برابری طلبان شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را سر داده و نوید روزهایی را دادند که جنبش مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، هر رنگی را که اختیار کرده باشد، کلیت این رژیم قرون وسطایی را جارو کرده و پایه های یک زندگی شاد، انسانی، مرفه و سوسیالیستی را بنا گذارده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
واحد شرق کانادا

و عاشورا) تعدادی از اعضا و کادرهای حزب بهمره جمع کثیری از آزادیخواهان و برابری طلبان و افراد نمایندگان جریانات سیاسی مختلف (که تعدادشان به ۱۵۰ نفر می رسید) در یک آکسیون اعتراضی که در تاریخ ۳۰ دسامبر در مقابل سفارت رژیم در اتاوا سازمان داده شده بود، شرکت کردند.

شرکت کنندگان در این تجمع که با وجود سرمای بسیار شدید خود را از شهرهای تورنتو، اتاوا و مونترال به مقابل سفارت رژیم رسانده بودند، شعارهایی در محکومیت وحشیگری های جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزات مردم در ایران سر داده و تلاش کردند بار دیگر افکار عمومی جهانیان را متوجه این واقعیت کنند که "عمر جمهوری اسلامی بسر آمده و هر چه زودتر باید مراسم خاکسپاری اش را برگزار کرد".

"جمهوری اسلامی، جمهوری جنایت ننگت باد ننگت باد"، "آزادی آزادی پیروزی ات مبارک"، "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" و ... از جمله

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزارشاتی از اعتراضات در همبستگی با انقلاب مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور

بدنبال تظاهرات میلیونی و پرشور یکشنبه ششم دیماه ۸۸ (روز "عاشورا") در تهران و شهرهای دیگر، در بسیاری از شهرهای کشورهای مختلف دنیا میتینگ‌ها و اجتماعاتی به نشانه همبستگی با قیام و انقلاب مردم ایران برپا شد که در اینجا گزارش بخشی از آنها را ملاحظه می‌کنید:

آلمان - فرانکفورت

طی روزهای ۲۷ و ۲۸ دسامبر دو تظاهرات با شکوه در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در فرانکفورت برگزار شد. در این اعتراضات صدها نفر شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان در مقابل در ورودی کنسولگری جمهوری اسلامی تجمع کردند. حاضرین بر علیه جنایات و رفتار وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی در روز



یکشنبه ۲۷ دسامبر در ایران بر علیه مردم و همچنین علیه اعدام و سنگسار شعار می‌دادند و خواهان بسته شدن سفارت خانه‌های رژیم در آلمان و در اروپا و کنسولگری رژیم در فرانکفورت شدند. شعار سرنگون باد حکومت اسلامی در فضا طنین افکن بود و پلیس نگران حمله تظاهرکنندگان به محل کنسولگری بود. ۳۰۰ نفر پلیس آلمان در محوطه حضور داشتند و به تظاهرات کنندگان گفتند که نباید به این ساختمان حمله کرد. تظاهرکنندگان با خشم و نفرت علیه حکومت اسلامی و مزدوران حکومتی در فرانکفورت شعار میدهند. چندین رسانه خبری در محل حضور داشتند و از این واقعه خبر و گزارش تهیه کردند. این اعتراضات طی روزهای آتی نیز ادامه پیدا خواهد کرد.

هلند - لاهه

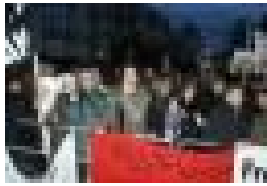
روز سه شنبه ۲۹ دسامبر تجمع و تظاهرات پرشوری از سوی ایرانیان

ساکن هلند از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. در این تظاهرات که اعضاء و دوستداران حزب شرکت فعالی داشتند شعارهایی به زبانهای فارسی و هلندی در همبستگی با انقلاب مردم ایران و محکومیت سی سال کشتار و سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم توسط جمهوری اسلامی داده شد. تظاهرکنندگان همچنین خواهان بسته شدن سفارت رژیم اسلامی در هلند شدند. با وجود حضور تعداد زیادی از نیروهای پلیس، تظاهرکنندگان با شعار "مرگ بر تروریست" از زرده هایی که پلیس بین تظاهرکنندگان و سفارت قرار داده بود عبور کردند و قصد حمله به سفارت را داشتند که پلیس نیروی ضد شورش مانع این اقدام مردم شدند. از جمله شعارهایی که در این تظاهرات داده شد: "مرگ بر دیکتاتور"، "آزادی، برابری، جمهوری انسانی"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه" و شعار میبنی بر تعطیلی لانه جاسوسی رژیم بود. در جریان این تظاهرات خبرنگار شهزاد نیوز مصاحبه ای با بهمن ذاکرنژاد در باره علل رادیکالتر شدن اعتراضات در خارج کشور طی ماههای اخیر، انجام داد. لازم به یادآوریست که تظاهراتی نیز برای روز شنبه ۲ ژانویه در برابر سفارت رژیم اسلامی از طرف "تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- هلند" فراخوان داده شده است.

سوئد - مالمو

وز ۲۸ دسامبر گروهی از مردم آزادیخواه در پشتیبانی و همراهی با مبارزات مردم ایران در یکی از میادین اصلی شهر مالمو به خیابانها آمدند و علیه جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند. در این میتینگ حسن صالحی، مریم طاهری و فریده آرمان سخنرانی کردند. در این سخنرانی ها که به زبانهای فارسی و سوئدی انجام گرفت اخبار اعتراضات مردم در روزهای اخیر باز گو شد و به خواستها و مطالبات انقلاب مردم ایران پرداخته شد. تظاهر کنندگان در اقدام

زیبایی با گرفتن دستهای همدیگر حلقه ای درست کردند و در حالی که به شکل يك دایره می چرخیدند با صدای بلند شعارهایی بر ضد جمهوری اسلامی سر می دادند. تعدادی از تظاهرات کنندگان عکس سران رژیم را به آتش کشیدند. روزنامه جنوب سوئد در گزارشی از



این تظاهرات به نقل از فریده آرمان و الیا تابش نوشت که مردم ایران تصمیم خود را گرفته اند و عقب نشینی نخواهند کرد و می خواهند این رژیم سرنگون شود. در این تظاهرات تعداد زیادی از متن ترجمه شده سوئدی مانیفست انقلاب مصوب هفتمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در میان مردم توزیع شد. این تظاهرات از طرف کمیته دفاع از حقوق زنان ایران، حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در مالمو سازمان داده شده بود.

سوئد - استکهلم - عصر روز دوشنبه ۲۸ دسامبر تظاهراتی در مرکز شهر استکهلم در حمایت از انقلاب پرشور مردم در ایران و علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی برگزار شد. در این تظاهرات که تعداد فابل توجهی از ایرانیان ساکن استکهلم و مردم آزادیخواه در آن شرکت داشتند، سخنرانی های متعددی انجام گرفت که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. یکی از این سخنرانان خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری بود که در سخنرانی خود به مبارزات مردم در ایران و انقلابی که شروع شده اشاره کرد و گفت این انقلاب می رود تا کار این رژیم را یکسره کند. خلیل کیوان در بخشی دیگر از سخنانش به حاد بودن اوضاع در ایران اشاره کرد و گفت که هیچ کدام از جناحهای رژیم نمیتواند این اوضاع را کنترل کنند و رژیم اسلامی در کلیت خود به قدرت

اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم، مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد سر می دادند. طنین شعارها و سخنرانی های افشا گرانه طوری بود که مردم رهگذر را تحت تاثیر قرار می داد. در این تظاهرات حدودا ۳۰۰ نسخه متن مانیفست انقلاب به زبان سوئدی توزیع گردید. در حین تظاهرات سوسن صابری، داریوش شاهماری، نازنین صدیقی و مینای قوامی علیه جنایات جمهوری اسلامی سخنرانی کردند.

اتریش - وین

روز دوشنبه ۲۸ دسامبر جمع زیادی از مردم آزادیخواه در اعتراض به جمهوری جنایتکار اسلامی و به نشانه همبستگی با انقلاب مردم ایران، در مرکز شهر وین در اتریش تظاهرات کردند. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، موسوی بهانه است کل نظام نشانه است، حکومت ضد زن نمیخواهیم، نمیخواهیم و زندانی سیاسی آزاد باید گردد از طرف تظاهرات کنندگان تکرار میشد. این تظاهرات به مدت ۳ ساعت و نیم به طول انجامید. آلمان - برمن - روز ۲۸ دسامبر تجمعی به همراه نمایشگاه عکس و برقراری میز اطلاع رسانی از طرف کمیته برمن حزب کمونیست کارگری ایران در مرکز این شهر برگزار شد که توجه مردم را به خود جلب کرد. مردم با فعالین حزب به گفتگو پرداختند و ضمن محکوم کردن جنایات رژیم اسلامی پشتیبانی خود از انقلاب مردم ایران را ابراز می داشتند.

انقلاب مردم سرنگون خواهد شد. وی بر اهمیت تشدید فعالیتها در خارج کشور بمنظور انزوای کامل جمهوری اسلامی و جلب پشتیبانی از انقلاب مردم ایران تاکید کرد. در این تظاهرات شعارهایی نظیر مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر خامنه ای، حکومت ضد زن نمی خواهیم نمی خواهیم، خامنه ای قاتله حکومتش باطله از سوی اجتماع کنندگان سر داده شد.

کانادا - تورنتو

طی روزهای ۲۷ و ۲۸ دسامبر مخالفین جمهوری اسلامی با اجتماع در پلازای ایرانیان در تورنتو علیه رژیم اسلامی دست به اعتراض زدند و با انقلاب مردم ایران همراهی کردند. در این گردهمایی ها که در سرمای گزنده زیر صفر درجه برگزار می شد، تظاهر کنندگان با شور و هیجان علیه رژیم اسلامی شعار سر دادند و به ایراد سخنرانی پرداختند. تظاهرکنندگان خواستار محاکمه سران رژیم جنایتکار اسلامی و همچنین بستن سفارتخانه های این رژیم در همه کشورها شدند. سوئد - گوتنبرگ - روز دو شنبه ۲۸ دسامبر ساعت ۴ بعد از ظهر به منظور پشتیبانی و حمایت از انقلاب مردم ایران و افشای حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری واحد گوتنبرگ در مرکز شهر گوتنبرگ تظاهراتی را سازمان داد، شرکت کنندگان در این تظاهرات به زبان سوئدی و فارسی شعار مرگ بر دیکتاتور، حکومت

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden